سرنوشت طرح عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل پس از جنگ 12 روزه

آیا ریاض همچنان مایل به آغاز روابط علنی با تل آویو است؟

با اعلان آتش بس میان ایران و اسرائیل، زمزمه ها در رابطه با از سرگیری مذاکرات عادی سازی روابط اسرائیل با اعراب و به ویژه پادشاهی سعودی شنیده می شود اما آنطور که نیوزویک خبر داده است یک مقام ارشد حماس در مورد ادامه یا عدم ادامه پیشنهاد آتش‌بس ایالات متحده در غزه، به کشورهای عربی که در حال بررسی عادی‌سازی روابط با اسرائیل هستند، هشدار داده است. موضوعی که به نظر می رسد یکی از دلایل اصلی حماس از حملات 7 اکتبر سال 2023 بود. اما آیا به واقع منطقه خاورمیانه با وجود یک ایران ضعیف و با دایره عملکرد محدود می تواند برای اعراب که سابقه سالها جنگ با اسرائیل را در کارنامه خود دارند از امنیت لازم برخوردار باشد؟ در اینصورت طرح "خاورمیانه بزرگ" اسرائیل چه سرنوشتی پیدا می کند؟

به گزارش تجارت نیوز، جنگ 12 روزه اسرائیل با ایران که در کشاکش مذاکرات هسته ای تهران با واشنگتن رخ داد منطقه خاورمیانه را نظم جدیدی بخشید است اما آنطور که والستریت ژورنال می نویسد این نظم چندان با مدل موردنظر ایالات متحده و رهبران منطقه‌ای همخوانی ندارد.

**عادی سازی روابط اعراب با اسرائیل در سایه جنگ با ایران**

 پیش از جنگ غزه و وقایع ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مقامات ایالات متحده و اسرائیل پس از سال‌ها مذاکرات طاقت‌فرسا، در نهایت موفق شدند تا با سعودی ها به یک توافق تاریخی برای به رسمیت شناختن دیپلماتیک اسرائیل از سوی ریاض دست پیدا کنند؛ این امر می‌توانست ائتلاف اسرائیل و اعراب را علیه ایران تقویت کند، حمایت ایالات متحده از امنیت عربستان را تضمین کند و به واسطه جایگاه عربستان در میان کشورهای مسلمان به مثابه دری برای پذیرش بیشتر اسرائیل در جهان عرب و مسلمان باشد. پروسه ای که پس از وقایع 7 اکتبر و به دنبال آن حملات اسرائیل به غزه و از دست رفتن جان بیش از 60هزار نفر از مردم این منطقه برای مدت زمانی نامعلوم متوقف شد.

در بازه زمانی یک سال و اندی اخیر نیز، آمریکا چه در دولت بایدن و چه ترامپ، بارها و بارها اعلام کرد که برای عادی سازی روابط اسرائیل و عربستان تلاشهایی را انجام خواهد داد اما به واسطه بالا گرفتن تنش ها در غزه هیج کدام راهی از پیش نبردند و حالا به واسطه جنگ 12 روزه ایران و اسرائیل، به نظر می رسد عربستان انگیزه کمتری برای کنار گذاشتن سایر نگرانی‌ها و حرکت به جلو دارد. ارزیابی پیامدهای حمله اسرائیل به ایران با حمایت های کشورهای غربی و با قابلیت‌های نظامی و اطلاعاتی بالای تل آویو، اعراب را متوجه موضوعات جدیدی کرده است؛ دولتمردان خلیج فارس نگرانند که سرمایه‌گذاری آنها در روابط با واشنگتن، از جمله میزبانی از سفر پر سر و صدای ماه گذشته ترامپ به خلیج فارس، از نظر نفوذ نتیجه نداده باشد. تشویق و حمایت مکرر ترامپ از حملات اسرائیل و تهدیدهای علیه رهبر عالی ایران، آنها را از یک جنگ گسترده‌تر ترسانده است. در نهایت هم، دستور ترامپ برای حمله محدودی به سایت‌های هسته‌ای اصلی ایران، نگرانی فوق را تشدید کرده است. هر چند که بعد از 12 روز با اعلان آتش‌بس، جنگ را متوقف کرد و در مقطعی به اسرائیل هشدار داد که بمب‌افکن‌های خود را برگرداند. در این شرایط و در حالی که از بدترین سناریوها اجتناب شد، رهبران خلیج فارس می گویند که قبل از هرگونه اقدامی، چشم‌انداز را دوباره ارزیابی خواهند کرد. "بدر السیف"، کارشناس امور خلیج فارس و کشورهای عربی در دانشگاه کویت، در این رابطه اظهار می دارد: «همه چیز در حال تغییر است.» ترامپ مشتاق است از فرصت آتش‌بس ایران برای ترغیب کشورهای بیشتر به برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل استفاده کند و پیمان ابراهیم را که در دوره اول ریاست جمهوری خود با امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان منعقد کرد، به روابط اسرائیل با دیگر کشورهای عربی نیز بسط دهد.

استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دولت آمریکا به شبکه CNBC می گوید: «یکی از اهداف کلیدی رئیس جمهور این است که توافق‌نامه‌های ابراهیم گسترش یابد و کشورهای بیشتری به آن بپیوندند و ما در حال کار بر روی این موضوع هستیم. ما امیدواریم که عادی‌سازی روابط در طیف وسیعی از کشورها که شاید مردم هرگز تصور نمی‌کردند، برقرار شود.»

 **عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل پس از جنگ 12 روزه**

اما موانع قابل توجهی برای پیشبرد عادی‌سازی روابط در خلیج فارس وجود دارد. سعودی‌ها به صراحت اعلام کرده‌اند که تا زمانی که جنگ در نوار غزه حل نشده باقی بماند، به توافقی نخواهند رسید. عربستان سعودی همچنین بر مسیری معتبر برای تشکیل یک کشور فلسطینی - موضوعی که اسرائیل قاطعانه آن را رد می‌کند - اصرار دارد، به امید اینکه به آنچه ریشه درگیری می‌داند، رسیدگی کند. یک مقام سعودی در مورد برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل پس از جنگ 12 روزه میان تهران و تل آویو تصریح می کند: «این اقدام، کار زیادی خواهد برد و اکنون فضای لازم وجود ندارد. فوریت، کشور فلسطین است و نه خطر ایران.»

اعراب معتقدند که تغییر موازنه ژئوپلیتیکی که در خاورمیانه در حال انجام است، به پیچیدگی‌ها شرایط این منطقه افروده است چرا که عملیات نظامی و اطلاعاتی اسرائیل علیه ایران و حزب‌الله، کشورهای عربی را مرعوب کرده است؛ اعراب نگرانند که اسرائیل اقداماتی انجام دهد که آنها از آن حمایت نمی‌کنند و نمی‌توانند بر آن تأثیر بگذارند. البته این کشورها نزدیک به دو سال است که تصمیم گرفته اند با تغییر رویکرد غیردوستانه خود با تهران، از در بهبود روابط و آشتی با ایران وارد شوند؛ عربستان سعودی و امارات متحده عربی نگران بودند هر گونه درگیری با ایران به برنامه‌های آنها برای رشد اقتصادی آسیب برساند، در سال 2023 به یک توافق صلح با تهران دست پیدا کردند و در یک اقدام ژئوپلیتیکی از ریسک‌های منطقه ای خود کاستند. آنها از این رابطه جدید برای جلوگیری از کشیده شدن به درگیری‌های منطقه پس از ۷ اکتبر استفاده کردند. وقتی ایران در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ صدها پهپاد و موشک به سمت اسرائیل پرتاب کرد، از قبل به کشورهای خلیج فارس اطلاع داد تا بتوانند حریم هوایی خود را خالی کنند. وقتی اسرائیل پاسخ داد، سعودی‌ها به ایرانی‌ها هشدار دادند که علیه تأسیسات انرژی خلیج فارس تلافی نکنند و با واشنگتن علیه تشدید تنش توسط اسرائیل لابی کردند.

این ادعا همیشه مطرح بوده است که کشورهای خلیج فارس از تضعیف ایران خوشحال هستند، اما به جهت انکه صحبت از تغییر رژیم آنها را به یاد اشغال عراق توسط ایالات متحده و هرج و مرجی که پس از سرنگونی صدام حسین صورت گرفت، می اندازد از این پروسه حمایت نمی کنند.

مقامات خلیج فارس به والستریت ژورنال گفته اند که از همان اوائل سال جاری میلادی و با افزایش احتمال حمله اسرائیل به ایران ، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و عمان به انتقال پیام‌ها و میانجیگری بین ایالات متحده و ایران کمک کرده اند." انور قرقاش"، مشاور سیاست خارجی رهبر امارات، در ماه مارس(اسفند) به تهران سفر کرد تا نامه‌ای از ترامپ را به مقامات ایران تحویل دهد و برادر کوچکتر شاهزاده محمد در ماه آوریل (فروردین) به تهران آمد تا به مقامات ایران اطمینان خاطر دهد که ریاض با اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران مخالف است. تلاش‌های اعراب برای حفظ دیپلماسی ایران و آمریکا در مسیر خود در نهایت شکست خورد و در ۱۳ ژوئن(24 خرداد)، رویارویی اسرائیل با ایران به حمله ختم شد. مقامات خلیج فارس گفتند که آنها با واشنگتن لابی کردند تا اسرائیل را برای توقف این روند تحت فشار قرار دهد و در ابتدا به آنها اطمینان داده شد که ایالات متحده درگیر این جنگ نخواهد شد. "ماریا فانتاپی"، رئیس برنامه خاورمیانه و آفریقا در موسسه امور بین‌الملل اینترناسیونالی( یک اندیشکده در رم) معتقد است که عربستان سعودی در گذشته از افزایش فشار آمریکا و اسرائیل بر تهران سود می‌برد، اما اکنون از تبدیل شدن به "دریافت‌کننده یک نظم منطقه‌ای جدید" می‌ترسد.

**پشت پرده پرده یک اعتراض**

در همین رابطه " دویچه وله" آلمان در گزارشی به این موضوع اشاره کرده است که با وجود انتشار بیانیه محکومیت حمله اسرائیل به ایران از سوی اعراب اما تصور می‌شود که پادشاهی سعودی به هواپیماهای اسرائیلی اجازه ورود به حریم هوایی عربستان برای سرنگونی موشک‌های ایرانی را داده است. "استفان لوکاس"، بنیانگذار شرکت مشاوره‌ای مستقر در آلمان، Middle East Minds، پیش از این به DW گفته بود که معتقد است سعودی‌ها نیز خودشان موشک‌های ایرانی را بر فراز کشورشان سرنگون کرده‌اند، اگرچه هیچ گزارش تأیید شده‌ای در این مورد وجود ندارد؛ اردن و عربستان سعودی هر دو رابطه پیچیده‌ای با اسرائیل دارند که شامل انتقاد عمومی اما همکاری پشت پرده است. هر دو این کشورها برای دفاع از خود به همکاری نظامی با ایالات متحده نیز متکی هستند. اردن همچنین یکی از بزرگترین دریافت کنندگان کمک‌های مالی از ایالات متحده به میزان ۱.۴۵ میلیارد دلار (۱.۲۵ میلیارد یورو) است. اوکراین، اسرائیل و اتیوپی دیگر دریافت‌کنندگان اصلی کمک‌های مالی ایالات متحده هستند. در عین حال، اردن و عربستان سعودی به حفظ ثبات در منطقه خود علاقه‌مند هستند - و این به معنای حفظ تعادل در روابط با ایران است.

البته کشورهای حوزه حاشیه خلیج فارس حملات اسرائیل به ایران را به عنوان نقض حاکمیت ایران محکوم کردند. آنها پس از حمله ترامپ به ایران نیز از لحن مشابهی استفاده کردند، اما ظاهراً آن را به گونه ای تنظیم کردند تا از تحریک رئیس جمهور دمدمی مزاج آمریکا جلوگیری کنند. آنها پس از حمله ایران به پایگاه آمریکایی در قطر دوباره متحد شدند و پیام خویشتنداری و کاهش تنش را برای هموار کردن راه آتش‌بس اعلام کردند.

**نگرانی اعراب از یک حمله**

دو دلیل اصلی برای مخالفت نسبت به حملات اسرائیل علیه ایران وجود دارد. اول اینکه، این حملات به صورت جداگانه اتفاق نمی‌افتند. در طول 20 ماه گذشته، اسرائیل پس از حمله حماس در 7 اکتبر، یک کمپین مرگبار و مخرب در غزه به راه انداخته است که منجر به تشکیل پرونده نسل‌کشی در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز شده است. اسرائیل همچنین در بحبوحه هرج و مرج پس از برکناری اسد، حضور نظامی خود را فراتر از ارتفاعات جولان اشغالی در سوریه گسترش داده است. و بارها، از جمله در هفته های گذشته، به بیروت و بخش‌هایی از لبنان حمله کرده است. به طور خلاصه، حتی در میان کشورهایی که به شدت از ایران انتقاد می‌کنند، نگرانی‌هایی در مورد یک اسرائیل بی‌قید و بند وجود دارد. چشم‌انداز یک نظم منطقه‌ای جدید که در آن اسرائیل با مصونیت رفتار می‌کند و در عین حال هنجارهای امنیتی را به همسایگان خود دیکته می‌کند، برای کشورهای عربی، از جمله دولت‌های عربی طرفدار غرب مانند عربستان سعودی و اردن، عمیقاً نامطلوب است. البته دلیل دوم اساسی‌تر است. برای دهه‌ها، جوامع عربی از اجرای گزینشی هنجارهای بین‌المللی توسط غرب انتقاد کرده‌اند. این امر شامل جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، اشغال مداوم کرانه باختری و غزه توسط اسرائیل و اخیراً محکومیت رهبران اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری است که ایالات متحده نیز در مقابل اقدام به تحریم قضات این دیوان کرده است.